

جایگاه ضرب‌المثل‌ها در گویش نهایندی

(۱۶)

کرم‌خدا امینان

۴۰۱- هتته و هوتتا، دراز و کوتا! فلان و بهمان، دراز و کوتاه (بزرگ و کوچک)!
وقتی یک عده مهمان ناخوانده و قدو نیم قد سر می‌رسند، صاحب‌خانه‌ی آفت زده با گفتن چنین مثلی ناراضایتی خود را ابراز می‌کند، آن‌هم فقط پیش خودش یا همسرش...

۴۰۲- هر جا آشه، کچل فرآشه! هر کجا آش باشد، کچل فرآش و خادم آن‌جاست!
این ضرب‌المثل در تقبیح اشخاص این‌الوقت است. کسانی که اگر در کاری کم‌ترین
نفعی سراغ داشته‌باشند خود را به آن‌جا می‌رسانند!

چنین کسانی با سماجت و وقاحت خود را جا می‌زنند تا به مقصود برسند، در حالی
که قلباً هیچ اعتقاد و ایمانی به آن کار ندارند و جز نفع شخصی به چیزی نمی‌اندیشند و
به اصطلاح از قبیله‌ی «موج سواران» اند.

۴۰۳- هر جا بادیا، آشوداری مُکننه! (فلانی) به هر طرف که باد بوزد خرمن را باد می‌دهد!
«آشوداری» پرتاب کردن خوشه‌های کوبیده شده‌ی گندم است برای جدا شدن از
کاه. به خود آن وسیله که شبیه چنگال و به‌قدر بیلی است «آشور» می‌گویند. بعید نیست
این کلمه صورتی از کلمه‌ی «آشوب» باشد.

به هر حال اشخاصی هستند که گفتار و رفتارشان بر حسب مصلحت و موقعیت روز است. آن‌ها می‌توانند هر لحظه رنگ عوض کنند و حمایت از هر کس و ناکس برایشان مهم نیست و تنها به منافع شخصی خود می‌اندیشند. مردم شوخ طبع، این آدم‌ها را، موج سوار و عضو حزب باد نامند.

۴۰۴- هر جا بون دنگ، اُور مَرَه لنگ! از هر جا صدایی بلند شود، او فوراً خود را به آن جا می‌رساند!

این مثل در مذمت افراد لابی‌بالی، ولگرد و بی‌سروسامان است. «ور» در گویش نیاوندی که در این مثل آمده پیشوندی است که به جای «بر» فارسی به کار می‌رود. مانند: وردار، ورمال، ورجه، وریس، ورش.

۴۰۵- هر جا هواشه، روا شه! (فلانی) به هر جا تمایل داشته باشد (خواستش) روا و عملی می‌شود!

این ضرب‌المثل به تقبیح افراد مستبد و خود رأی می‌پردازد و کلامی است گلایه‌آمیز از کسانی که بذل و بخشش را فقط بر اساس دلخواه و میل شخصی روا می‌دارند نه بر پایه‌ی خدمت به خلق و گشودن گره‌ی از مشکلات مردم.

۴۰۶- هر چی آمیمو زیاد بیا، نَفِرِ خَنَه صَحَو. هر چه از میهمان زیاد بیاید، به نفع صاحب‌خانه است.

چون آن را میزبان به نیت مصرف شدن تهیه کرده‌است و حالا که بخشی از آن به مصرف نرسیده برای او مغتنم و در حکم باز یافته است.

این مثل و امثال بسیاری از این دست، حکایت از مهمان نوازی اجداد و نیاکان ما دارد و شاعر چه خوب گفته است :

از فروغ روی مهمان شد منور خانه‌ام خانه‌ام فانوس و مهمان شمع و من پروانه‌ام

۴۰۷- هرچی گنبله مخفتم ، بنگم آ همه دراز تره ! هر قدر جمع تر می‌خواهیم پام از همه دراز تر است!

یعنی هر چه خود را از وقایع کنار می‌کشم ، بیش تر مورد تهمت و افترا واقع می‌شوم و بیش تر درباره‌ام حرف می‌زنند . دقت در این مثل می‌رساند که گوینده خیلی هم صادق‌القول نیست ، چون به قول معروف : تا نباشد چیزکی ، مردم نگویند چیزها !

۴۰۸- هرچی گنه فنه ، وری من دردمنه ! هر چه گند | او ناخوشی | است ، برای من دردمند است!

یعنی چنان بخت برگشته و دردمند هستم که هر بدی و بلایی یک سر به سراغ من می‌آید!

می‌گویند سابقاً دزدی، در نهاوند در دفاع از خود به رئیس شهربانی گفته بود : جناب رئیس من آدم بدبختی هستم . برای این که هر چه سرقت می‌شود بیهتان آن را به من می‌زنند و از بخت بد مال مسروقه هم از خانه‌ی من سر در می‌آورد!

۴۰۹- هر چی نایی و بارم ، سوقات ورت مایرم . هر چه به بارم گذاشتی برایت سوقات می‌آورم .

در قدیم معمول بود که به مسافر «سراهی» می دادند، یا به صورت نقد یا به صورت توشه و زاد راه. متقابلاً این مسافر در بازگشت از سفر برای هر یک از کسانی که به او سراهی داده بودند، سوقات مناسب و درخوری می آورد. به هر حال این رسم بین اعضای فامیل و دوستان بسیار پسندیده بود، هر چند جنبه‌ی داد و ستد داشت. در عین حال چنین رسومی سبب تحکیم اساس محبت و مودت می گردید.

۴۱۰- هر چی هسا و ای دِیّه و ای کَمچّه درِ میا! هر چه در این دیگ باشد بالاخره با این قاشق بیرون خواهد آمد.

ضرب‌المثل حاکی از آن است که پنهان کاری‌ها دوام ندارد و سرانجام بر ملا می شود و آنچه فعلاً نهان است، روزی عیان می گردد و خلق الله از آن آگاه می شوند. حتی صفت «سَتَّارُ الْعُیُوبِ» بودن خداوند هم حدی دارد؛ و روزی که لازم باشد، پرده‌ها را کنار می زند.

۴۱۱- هر سبی چاق بی، نَمَلِش زیر پلو! هر سگی چاق شد، آن را زیر پلو نمی گذارند! نظیر این ضرب‌المثل فارسی است، که: گردو گرد است، اما هرگردی گردو نیست. بنابراین همان‌طور که صرف چاق و پرگوشت بودن یک حیوان، جواز حلال بودن آن نیست، اشخاص متمکن و پر آوازه هم اگر قابلیت‌های دیگر را نداشته باشند در جامعه مقبولیت نخواهند یافت و مطرود می شوند. چنان‌که شاعر گوید:

بوریا باف، گرچه بافنده است نبرندش به کارگاه حریر

۴۱۲- هر شری ماسیوَش طَری! هر شهری آش ماسیوَه‌اش به نوعی است!

ماسیوَه «ماست‌آبه» غذایی است که مواد آن دوغ و سبزی و بلغور و ... است و در هر جا به شکلی آن را تهیه می‌کنند. مراد از مثل آن است که هر جایی با توجه به شرایط و خصوصیات اقلیمی و بومی آن، آداب و رسوم و زندگی خاصی دارد. بعضی می‌گویند مراد از ماسیوَه همان «ماسوا» است! این ترکیب عربی مخفف «ماسوی الله» است به معنی «آن‌چه به‌جز خدا» در این صورت یعنی هر شهری ماسوی الله آن به نوعی است! که ناموجه به نظر می‌رسد.

۴۱۳- هر عروسی تا چل روز خوش بخته.

ضرب‌المثل بیانگر این واقعیت تلخ است که شادکامی دختران قشر تهی‌دست و فقیر در ازدواج کوتاه مدت است و این حداقل سعادت‌مندی برای یک عروس است. گرچه بعضی‌ها متأسفانه همین آسایش محدود را هم ندارند و از همان روزهای اول با کار و زحمت و محرومیت و بگومگو گرفتار می‌شوند.

۴۱۴- هر که آبِ میفته، لنگ مَه میسکه! هر کس از بام می‌افتد، [نمی‌دانم چرا] لنگ (پای) من می‌شکند!

کسی به این ضرب‌المثل استناد می‌کند که مبتلا به بلاهای متعدد و ناگهانی می‌شود و همه‌ی تقصیرات را به گردن او می‌اندازند! (به شرحی که درباره‌ی ضرب‌المثل شماره‌ی ۴۰۷ آمده است نیز مراجعه فرمایید، زیرا از حیث معنا و مفهوم مشابه‌اند.)

۴۱۵ - هر که آغر صخو بیش تر بگوروه، خو بگوروه! هر کس از صاحب‌عزا بیش تر گریه کند، الهی که خون گریه کند.

شرکت در غم و اندوه دیگران حد و اندازه‌ای دارد و اگر از حد متعارف بگذرد جنبه‌ی تظاهر و ریاکاری به خود می‌گیرد. به همین جهت در ضرب‌المثل چنین اشخاصی تقبیح و نفرین شده‌اند و از خدا خواسته‌اند که چنین افراد متظاهری به غم و اندوه بیش‌تری گرفتار شوند تا خون گریه کنند.

۴۱۶ - هر که بازه بُرد، سر بازم موزه. هر کس بار را بُرد، سر بار را هم می‌بُرد. مراد آن است که «جزء» تابع «کل» است. پس هر که «کل» را پذیرد، «جزء» را هم الزاماً پذیرفته است. مفهوم دیگر این مثل آن است که گاهی روزگار چنان بر کسی سخت می‌گیرد و مشکلاتی به او تحمیل می‌کند که برای او قبول مشکلات جزئی و کوچک‌تر، دیگر بی‌اهمیت است.

۴۱۷ - هر که خنه‌ی شانه دی، خنه‌ی خوشه خراو نمکته! هر کس خانه‌ی شاه را دید، خانه‌ی خودش را خراب نمی‌کند! پیام ضرب‌المثل این است که فرد باید به آنچه دارد قانع باشد و بلند پروازی نکند. البته هر کس می‌تواند و باید از راه درست تلاش کند تا به رفاه نسبی دست یابد. اما به زندگی اشخاص مرفه حسد بردن و توقع بی‌جا داشتن، کسی را به جایی نمی‌رساند. چه خوب گفته‌اند: رشک آفت رقابت است.

۴۱۸- هر که دیش کوتایه ، سرش بَلَنَه ! هر کس دستش کوتاه است ، سرش بلند است!
در این ضرب‌المثل کوتاه بودن دست کنایه از بی‌طمع بودن و به حق خود قناعت کردن است. سررا بلند کردن نیز کنایه از عزت نفس و بی‌نیازی و نیک‌نامی است. علی (ع) می‌فرماید: عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمِعَ (کسی که قناعت ورزد عزیز می‌شود و کسی که طمعکار باشد به خواری و ذلت می‌افتد).

۴۱۹- هر که شاهت آ دور بیاره ، روش سیایه . هر کس شاهد از دور بیاورد روسیاه است.
این ضرب‌المثل در تقبیح کسی است که با اعمال نفوذ و بهره‌گرفتن از شهادت کذب ، خود را بی‌گناه و حق به جانب معرفی نماید. در حالی گواه و شاهد باید در متن حادثه باشد تا بتواند به درستی شهادت دهد. بنابراین مدّعی زمانی سرافراز خواهد بود که شاهد مدعایش حی و حاضر باشد و گرنه رسوا و بی‌آبرو خواهد شد.

۴۲۰- هر که کُف اَرُوش ، تو جلی سَر خُت پِیوش! هر کس گفت اَرُوش «گندم پخته و نیم کوب» ، تو پلاسی بر سر خودت پیوش!
این ضرب‌المثل مخاطب خود را ضمن مذمت، به سکوت دعوت می‌کند و می‌گوید هر کس هر چه گفت و هر ادعایی داشت، هر چند بی‌اهمیت، تو یک نفر سکوت کن و از شرم خود را بپوشان. مراد این است که همه، سوابق زشت و ننگین تو را می‌دانند. پس با سخن گفتن ، خود را زشت‌تر از آنچه هستی نکن .

۴۲۱- هزار خار و پا به سَکِلِ او مَخُورَن. هزار خار به پای یک گل آب می‌خورند.
کسی که منشأ خیر و زیبایی باشد، هزاران نفر به برکت همنشینی با او بهره‌ها خواهند برد. هر چند بهره‌برداران اشخاص خوبی نباشند. به هر حال حمایت و مراقبت از

یک شخصیت قابل، چنان ارزشی دارد که در کنارش دیگرانی هرچند ناقابل نیز حمایت شوند.

۴۲۲- هزاره گوردکئ آسو کورده . [درک] عدد هزار را گردو آسان کرده است. سابقاً برای این که زیاد بودن عدد «هزار» را نشان دهند، از این عبارت استفاده می کردند. در آن سال‌ها گردو به صورت «هزاری» خرید و فروش می شد و در حقیقت واحد گردو عدد هزار بود و اغلب مردم مستقیماً با پول زیاد سروکار نداشتند. به همین دلیل می گفته‌اند: هرکس صد تومان داشته باشد «سده» او بسته شده و دیگر هیچ مشکلی در زندگی او نیست و خبر از ارقام نجومی امروز نداشته‌اند.

۴۲۳- هم سر رفت، هم مال رفت! این سخن ظاهراً گفته‌ی صاحب عزایی است که از بد حادثه عزیزی را از دست داده و وقتی می خواهد با برگزاری مراسم شادی روح او را فراهم سازد، هم‌زمان با این حادثه دستش نیز خالی شده و مال و ثروتش بر باد رفته و توان مالی هم ندارد!

۴۲۴- همنه او توره، آنه خوو قوره! همه را آب ببرد، او را خواب می برد! این ضرب‌المثل در ذم کسی است که خود خواه و بی تفاوت است و در برابر ناراحتی و گرفتاری‌های مردم با خون سردی و بی غیرتی سکوت می کند. سعدی می گوید:

خفتگان را خبر از محنت بیداران نیست
تا غمت پیش نیاید، غم مردم نخوری
به فلک می رسد آه سحر از سینه‌ی من
تو همی بر نکنی دیده ز خواب سحری

آقای حبیب یغمایی گوید: با مرحوم فروغی مشغول تصحیح دیوان سعدی بودیم. چون به این بیت رسیدیم، اشک در چشمان فروغی حلقه زد و کتاب را بست و گفت: برای امروز بس است.

۴۲۵- همه چی تازش خووه، دوس کنهش خووه! هر چیزی نو و تازه‌اش خوب است، [ولی] دوست، قدیمی و دیرینه‌اش خوب است!

سخنی است درباره‌ی ارزش و اهمیت دوست‌های قدیمی. شاعری گفته است:

از می کهنه و رفیق کهن ذنب لا یغفر است دوری من

در واقع دوست‌های مصلحتی و زودگذر که می‌آیند و می‌روند، قابل اعتماد نیستند. اما اگر دوستی و رفاقت دو نفر نسبت به هم سالیان دراز دوام آورد، نشانه‌ی وفاداری، فداکاری و صمیمیت دیربای آن دو به یک‌دیگر است و باید قدر آن را بدانند، زیرا آسان به دست نیامده است که آن را به آسانی از دست بدهند.